تأثیر تغییر سبک زندگی جوانان در نگرش به مسأله حجاب

اعظم رحمت‌آبادی*

چکیده

این مقاله با رویکرد تحلیلی- توصیفی به بررسی رابطه تأثیر تغییرات در سبک زندگی در نگرش به باورهای مذهبی و از جمله مسأله حجاب می‌پردازد. با توجه به هدف پژوهش ۳۴۶ نفر از دختران جوان ۱۶ تا ۲۶ساله با روش تصادفی انتخاب و دو پرسش‌نامه که به بررسی تغییرات سبک زندگی و علائق و نگرش‌های جوانان می‌پردازد توسط آنان پاسخ داده شده و نتایج پژوهش با توجه به روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی تجزیه و تحلیل گردید. نتایج نشان می‌دهد بین مصرف‌گرایی و تزلزل باورهای دینی و گرایش به مد و تبرج و سکس رابطه معناداری وجود دارد. این بدان معناست که هر قدر جامعه به سوی مصرف بیشتر و الگوپذیری از مدرنیته غربی قدم بردارد اندیشه‌های دینی در جامعه با خطر بیشتری رو به رو است.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، جوانان، حجاب، مدرنیته، زندگی مصرفی

مقدمه

مدرنیته و جهانی شدن، تغییراتی در سبک زندگی جوامع مختلف بر جای گذاشته است به طوری که با شیوع فرهنگ اومانیستی و فردگرایی توجه به خواست و علائق شخصی نسبت به رفتارهای سنتی بیشتر شده است.

در این نگاه، انسان موجودی کاملا آزاد و مستقل در نظر گرفته می‌شود که در شناخت سعادت واقعی خویش و راه رسیدن به آن خودکفاست، سرنوشت خود را خود رقم می‌زد و موجودی خودمختار، دارای قدرت مطلق و وانهاده به خویش است و از هر گونه تکلیف و الزام بیرونی مطلقا آزاد است. (محمود رجبی، ص۳۵) و خود را به هیچ نیروی دیگری وابسته نمی‌داند و خواست او معیار و مقیاس همه چیز است.

در دنیای امروز سبک زندگی، انتخاب و نگاه به ارزش‌ها و هنجارهایی است که توسط فرد یا جامعه پذیرفته شده است به طوری که این انتخاب‌ها زائیده انتخاب گری افراد است و هر فردی آزادانه و با سلایق خود آن را انتخاب می‌کند و از این طریق خود را به جهان پیرامون خود معرفی می‌نماید. مجموعه این سبک‌ها که توسط افراد مختلف انتخاب می‌شود می‌تواند رفتاری بهنجار یا نابهنجار را در سطح جامعه گسترش دهد بعضی از باورها و ارزش‌ها را تعمیق

* دکتری تاریخ و تمدن و ملل اسلامی، استادیار موسسه علمی تحقیقی مکتب نرجس(س)، sabetazam۱۵۷@yahoo.com، شماره همراه: ۰۹۱۵۵۱۹۱۳۶۸ و شماره تلفن موسسه نرجس: ۰۵۱۱۸۵۹۵۰۴۰

کند و یا به عکس باعث عکس‌العملی متفاوت نسبت به سنت‌های جاری در جامعه شده کم کم زمینه مهجوریت، کم رنگ شدن و حتی جایگزین شدن آن‌ها را فراهم سازد.

حجاب و پوشش اسلامی به عنوان یک ارزش و باور اسلامی زمینه ساز تعالی و فلاح جامعه اسلامی است که می‌تواند روحیه معنویت را در سطح جامعه ارتقا بخشد و امنیت و نشاط مذهبی را در سطح جامعه تداعی کند، حجاب به معنای عام هر نوع مانع از وصول به گناه است (حسین مهدی زاده، ص۲۱) و عفت به معنای خودداری از آن چه حلال نیست (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج۲، ص۲۶) و حصول حالتی برای نفس که در سایه آن غلبه شهوت نیست (راغب اصفهانی،۱۳۸۷، ج۱، ص۴۵۲)یعنی حالتی که مانع غلبه شهوت است.

ثمرات و فواید فراوانی برای حجاب از جنبه‌های مختلف می‌توان در نظر گرفت که از جمله می‌توان به افزایش آرامش روانی زن و مرد، کم شدن زمینه‌های گناه و کنترل غرائز، بالا رفتن توانمندی‌های اجتماعی در سایه حساسیت‌های جنسی، بالا رفتن امنیت اجتماعی، حفظ کانون خانواده و ... اشاره کرد.

اما امروزه شاهدیم که در میان گروه‌های مختلف اجتماعی خصوصا نسل جوان نگاه به این ارزش نسبت به گذشته تفاوت‌هایی پیدا کرده که به نوعی تحت تأثیر انتخاب سبک‌های زندگی متفاوت است.

در معنای سبک زندگی می‌توان گفت:

به مجموعه رفتارها و الگوهای کنشی هر فرد که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی باشد اطلاق می‌شود و نشان دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌های فرد است. به عبارتی سبک زندگی دلالت بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اشخاص در هر جامعه دارد و مبین اغراض، نیّات، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره و زندگی روزانه می‌باشد. (ابراهیم حاجیانی، ۱۳۸۶، ص۸)

در واقع سبک زندگی به عنوان جلوه مشهود و محسوس فرهنگ، تجلی و تبلور عینی باورها، ارزش‌ها، گرایش‌ها و ترجیحات فرهنگی در قالب مظاهر رفتاری و نمودهای مشاهدتی الگوها و شیوه‌های زیستی و منطق نظری و عملی افراد و گروه‌ها در تعاملات اجتماعی است (سید حسین شرف الدین، ۱۳۹۲، ص۱۶) به طوری که علاوه بر رفتارهای فردی که هر کس برای خود بر می‌گزیند رفتارهای خانوادگی، فامیلی، محلی، شهری، کشوری و بین‌المللی را شامل می‌شود (محمدتقی مصباح، ۱۳۹۲، ص۶)

روشن است که سبک‌های زیستی غالب و رایج در عینیت جاری جامعه ما و دنیای روزمره مومنان از نصاب لازم اسلامیت متناسب با نظام ارزشی و هنجاری اسلام برخوردار نیست. منظومه فرهنگی و اجتماعی غالب در ایران چه در سطح خرد و چه در سطح کلان متضمن درجاتی آشکار از اختلاط و التقاط و بعضا عناصر ناهمگون است. این اختلاط و آمیزش در عصر حاضر، به دلیل کثرت ارتباطات میان فرهنگی و ورود آسان فرهنگ‌ها به حوزه‌های استحفاظی یکدیگر

شدت و حدّت بیشتری یافته (سید حسین شرف الدین، ۱۳۹۲، ص۱۶) و تهاجم فرهنگی و تلاش برای کسب منزلت اجتماعی بر غلظت آن افزوده است.

از این رو از آن جا که شناخت تغییرات سبک زندگی می‌تواند پایه و اساس فهم شرایط فرهنگی موجود و تحولات پیش رو را فراهم آورد و نشان دهد که در بطن ارزش‌های موجود در خرده نظام فرهنگ‌ها چه می‌گذرد و تصویری از هنجارهای پنهانی که در اذهان و افکار مردم جاری است را بر ما ارائه می‌دهد بررسی آن ضرورت و اهمیت می‌یابد خصوصا این تغییرات در سبک زندگی به شدت الگوهای موجود را تحت تأثیر قرار داده است و از ارزش‌هایی چون مسأله حجاب تفسیرهای متفاوتی ارائه داده است. از این رو این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این سوال است که:

تأثیر و پیامدهای تغییر در سبک زندگی جوانان (با تأکید بر گروه سنی ۱۶-۲۶سال) در نگرش به مسأله پوشش و حجاب اسلامی چیست؟

فرضیه:

سبک زندگی مصرفی، زمینه گرایش به مد و تبرّج را در بین جوانان افزایش داده است.

پیشینه تحقیق

در زمینه سبک زندگی در یکی دو سال اخیر کتاب‌ها و مقالاتی تألیف شده است. الگوی سبک زندگی ایرانیان به اهتمام ابراهیم حاجیانی به مقالاتی در زمینه سبک‌های زندگی جهانی وطنانه، سبک زندگی روستایی، سبک زندگی جوانان ایرانی، سبک زندگی و هویت اجتماعی و سبک زندگی و هویت جنسی پرداخته است و توانسته تجزیه و تحلیل نسبتا خوبی از انواع سبک زندگی و مفاهیم مرتبط با آن ارائه دهد. در میان این مقالات،مقاله سبک زندگی جوانان ایرانی تألیف دکتر محمد سعید ذکائی به موضوع مقاله بیشتر پرداخته بود و نویسنده توانسته بود با بررسی بعضی ابعاد سبک زندگی جوانان تهران الگوی خوبی در این زمینه ارائه دهد.

کتاب دین و سبک زندگی محمد سعید مهدوی کنی که به طور مفصل به تعریف سبک زندگی از دیدگاه اندیشمندان غربی پرداخته و سپس به جلسات مذهبی و رابطه آموزه‌های دینی و سبک زندگی شرکت‌کنندگان در جلسات مذهبی پرداخته است. در این کتاب بیشتر به اثربخشی فعالیت مبلغین و کارکردهای تبلیغ کسانی که به جلسات مذهبی می‌روند پرداخته شده است و به بحث تغییرات در سبک زندگی جوانان و بررسی تبعات آن نپرداخته است.

از میان کتاب‌هایی که اخیرا نوشته شده و به بحث سبک زندگی جوانان پرداخته کتاب درآمدی بر جامعه شناسی سبک زندگی جوانان نوشته دکتر قربانعلی ابراهیمی و عباس بهنوئی گدنه است. این کتاب با مد نظر قرار دادن سازه

سبک زندگی سعی در واکاوی و بررسی جامعه شناختی این موضوع در بین جوانان دارد و توانسته الگوی منسجم در این باب ارائه دهد.

با توجه به موضوع مقاله که تأثیر تغییرات سبک زندگی بر نگرش به مسأله حجاب است در این مقاله تغییرات سبک زندگی دختران جوان مشهدی مورد توجه قرار گرفته است و تلاش شده در زمینه‌های مختلف زندگی که تحت عوامل محیطی، فرهنگی و اجتماعی است این تغییرات بررسی شده و بر اساس مطالعه موردی پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات تأثیر آن بر مسأله حجاب مورد بررسی قرار گیرد.

روش تحقیق

به طور کلی روش پژوهش در علوم رفتاری را می‌توان بر اساس سه ملاک هدف پژوهش، چگونگی گردآوری داده‌ها و چارچوب حاکم بر روش تقسیم کرد.

بر این اساس، این پژوهش از نظر هدف کاربردی و بر اساس گردآوری داده ها ترکیبی از روش توصیفی با رجوع به منابع و پیمایشی برای ارزیابی سبک زندگی دختران جوان مشهدی و برای دسته بندی و تجزیه و تحلیل از روش تحلیل محتوا و روش متمرکز بر گروه (گروه پژوهشی نرجس) و بر اساس چارچوب حاکم از نوع روش کیفی است و از نظر وسعت و دامنه موضوع دختران جوان ۱۶ تا ۲۶ ساله مشهدی (۳۴۶نفر) را در بر می‌گیرد.

برای نمونه‌گیری در تحقیق حاضر از روش تصادفی ساده استفاده گردیده از نظر گستره تحقیق تلاش شد از دختران دبیرستانی مناطق مختلف مشهد و نیز رشته‌های دانشگاهی شامل الهیات، پزشکی، روانشناسی، مدیریت، علوم، شیمی، حسابداری، ریاضی، مهندسی دانشگاه فردوسی و کلاس‌های زبان نمونه‌ها انتخاب شوند و در تحلیل داده‌ها از روش آماری میانگین استفاده شده است.

با توجه به اهمیت و وسعت موضوع (سطح کلان شهر مشهد) و به منظور پیشبرد هر چه بیشتر و هر چه بهتر و ساماندهی طرح مذکور اقدامات ذیل صورت گرفت. تشکیل شورای علمی گروه که کار هدایت علمی طرح از ابتدا تا انتهای آن را بر عهده داشت و فعالیت‌هایی شامل نوشتن طرح و اصلاح آن، تدوین پرسشنامه‌ها،نظارت بر اجرای پرسش‌نامه و تدوین گزارش را بر عهده داشتند که علاوه بر اساتید که در تجزیه و تحلیل داده و اصلاح آن نظارت و نقش اصلی را بر عهده داشتند دیگر اعضای گروه که خانم‌ها سالاری مقدم، فلاحی و سالارزاده بودند کار پیمایش در سطح شهر و جمع‌آوری اطلاعات از نمونه‌ها و استخراج میانگین بر اساس درصد را بر عهده گرفتند.

تغییرات سبک زندگی

امروزه زندگی افراد تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار گرفته است، جهانی شدن، مدرنیته، عرفان‌های نوظهور، گسترش تکنولوژی و صنعت و شکل‌گیری شهرهای مدرن و فرامدرن، تولیدات روزافزون کمپانی‌ها و شرکت‌های تولیدی، تبلیغات سرسام آور و رقابت‌های رو به گسترش، زندگی نسل جوان را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است. به طوری که در بررسی سبک زندگی در جامعه کنونی حداقل با دو رویکرد اصلی مواجه می‌شویم:

الف- رویکردی که توجه به آزادی و قدرت انتخاب‌گری انسان دارد و او را از هر گونه الزامی آزاد می‌داند و زندگی انسان را رسیدن به رفاه مطلق و استفاده از تمام سرمایه‌های اقتصادی به هر قیمت ممکن می‌داند و به طور کلی برای هویت‌بخشی به او زندگی مصرفی را برایش رقم می‌زند.

ب- رویکردی که انسان را خلیفه خدا و دارای کرامت می‌داند که برای رسیدن به مقام عبودیت و قرب الهی از امکانات و سرمایه‌های این جهان در حد وسع و به نحو مطلوب استفاده می‌کند اما این جهان و لذت‌های مادی آن را ماندگار نمی‌بیند از این رو به آن دل نمی‌بندد. بر اساس این دیدگاه، دنیا برای رسیدن به آخرت آفریده شده است نه برای رسیدن به خود «الدُنیا خُلِقَت لِغَیرها وَ لَم تُخلق لِنَفسِها» (نهج البلاغه، حکمت۴۶۳)

در رویکرد اول اعتقاد بر این است که انسان آزاد به دنیا آمده است. وی باید بر سرنوشت خود حاکم شود و از هر قید و بندی جز آن چه خود برای خود تعیین می‌کند آزاد باشد، بنابراین باید به او اجازه داد تا آزادی خود را در طبیعت و جامعه تجربه کند.

بر این اساس در برنامه‌های آموزشی و تربیتی او باید جلوی آزادی و اختیار وی گرفته نشود تا بتواند بر اساس اختیار و علائق شخصی، مسیری که مدّ نظرش است را انتخاب نماید. در این صورت انتقال مفاهیم دینی و الزامات آن چون آزادی او را تحت الشعاع قرار می‌دهد امری پذیرفته نیست. در این صورت نظارت والدین و مربیان بر رفتار نوجوانان و جوانان معنا پیدا نمی‌کند و حداکثر در حد توصیه‌هایی کلی که آزادی و انتخاب را محدود نکند تقلیل می‌یابد.

بر این اساس نگاه هویتی به انسان، مقدار مصرف اوست و سبک زندگی او نسبت مستقیمی با مصرف دارد و در رفتار مصرفی او متجلی می‌شود. (گیدنز، ۱۳۸۴، ص.....

اما بر اساس رویکرد دوم اگر چه انسان را موجودی صاحب اختیار می‌داند اما به این جهان به عنوان منزل و پلی برای رسیدن به مقام قرب الهی می‌نگرد. «الدنیا المزرعةُ الآخره» (بحار، ج۶۷، ص۲۲۵) و از این رو آزادی او را بی قید و شرط نمی‌پذیرد (یزدی، ۱۳۸۱، ص۱۹-۲۲) و معتقد است برای تربیت و هدایت انسان نیاز به ارائه الگوهای صحیح (کلینی، ج۲، باب التفویض الی رسول الله، ح۱ و ۳) نظارت و ارشاد (سوره توبه، آیه۷۱) و آگاهی بخشی (نهج‌البلاغه، حکمت۱۴۷) است؛ از این رو نه تنها لزوم استفاده از پیام‌های حیات بخش الهی و رهبران دینی را ضروری می‌بینند بلکه برای خانواده،

جدید اهمیت این سرمایه‌ها مد نظر باشد می‌توان به جای پرداختن به طرح‌های تضعیف‌کننده، طرح و پروژه‌هایی را مدنظر قرار داد که نه تنها تضعیف‌کننده نباشد بلکه تقویت‌کننده و گسترش دهنده سرمایه‌های فرهنگی باشد. متأسفانه مدیران متدین جامعه از دوران کودکی با این سرمایه‌های فرهنگی انس و ارتباط دارند، اهمیت و ارزشی را که این سرمایه‌های فرهنگی دارند و نقشی را که می‌توانند در بهینه‌سازی مدیریت فرهنگی جامعه و از جمله مقوله حجاب و عفاف داشته باشند نمی‌شناسند و بهره‌گیری از آن‌ها را مد نظر قرار نمی‌دهند و به همین دلیل است که احیا و به روز رسانی شبکه مساجد کشور در فضای تعارف‌آمیز بین مردم و مسئولان کمترین تحول و رشد را داشته است. اما مراکز تضعیف‌کننده و رقیب مساجد و سایر مراکز فرهنگی با بهره‌گیری از امکانات دولتی و شهرداری‌ها با سرعت رو به گسترش است. (رک. حسن بنیانیان، ۱۳۸۸، ص۵۰)

بالا بردن پذیرش فرهنگی نظارت و انتقاد و فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر از دیگر برنامه‌هایی است که مغفول مانده که صرفا با نامگذاری ستادی به این نام نمی‌توان این فرهنگ را احیا کرد بلکه باید در سطح کلان فرهنگی آموزش داد «که لازمه ایمان حقیقی یا واقعی نه ایمان تقلیدی و تلقینی رابطه وداد و علاقه به سرنوشت یکدیگر است.» (مطهری، ۱۳۶۰، ص۷۶) و این در سایه امر به معروف و نهی از منکر تحقق می‌یابد و زمینه‌ساز کم شدن فساد و فحشا در جامعه و ترویج فرهنگ خودی است. از این رو با درک این نیازهاست که توجه به اصلاح مراکز آموزشی مثل مدارس و دانشگاه‌ها در صدر اولویت قرار می‌گیرد. به طوری که لازم است فعالیت‌هایی را در اولویت قرار داد که کاستی‌ها و کم‌توجهی‌ها به امر تربیت و فرهنگ‌سازی در این مراکز را جبران کند.

مراکز آموزشی چه مدارس و چه دانشگاه‌ها به عنوان مرکز فراگیری می‌توانند به تغییر و اصلاح نابسامانی‌های اخلاقی و مذهبی فراگیران خود بپردازند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند مراکزی که آموزش رفتارهای مذهبی به ویژه اقامه نماز و حفظ حجاب را جدی گرفته‌اند اضطراب‌ها و ناهنجاری‌ها، ضد ارزش‌ها و مشکلات اخلاقی را کمتر شاهد بوده‌اند. (رک. سوزان رجبی، عادل زاهد بابلان، ۱۳۹۱، ص۱۰۵)

بر اساس تحقیق میدانی انجام گرفته (نرجس-۱۳۹۲) میان روابط صمیمانه مسئولان آموزشی با فراگیران و نوع حجاب مسئولان و کادر آموزشی و پاسخگویی به سوالات مذهبی با رعایت حجاب توسط جوانان ارتباط نزدیکی وجود دارد:

اثر روابط صمیمانه مرکز آموزشی با دانشجویان	اثر نوع حجاب معلمان، اساتید و کارکنان	اهمیت پاسخگویی به مسائل مذهبی در نگرش به حجاب	اهمیت آشنایی با فلسفه حجاب در پذیرش آن
٪۵۴	٪۵۲	٪۷۰	٪۸۵

بر اساس نتایج به دست آمده ۵۴٪ دانش‌آموزان و دانشجویان روابط صمیمانه مسئولان آموزش را در پذیرش نُرم‌ها و ارزش‌هایی که توسط آنان به فراگیران ابلاغ می‌شود را موثر دانسته‌اند. علاوه این که به نظر ۵۲٪ شکل ظاهری پوشش معلمان، اساتید و کادر و میزان توجه آنان به مسأله پوشش در داخل و خارج مدرسه و دانشگاه در پذیرش حجاب توسط فراگیران اثرگذار دانسته‌اند.

۷۰٪ فراگیران پاسخگویی به مسائل مذهبی، شناخت خدا، معاد و فهم صحیح جهان‌بینی توحیدی و اسلامی را در نگرش به مسأله حجاب مهم شمرده‌اند و ۸۵٪ آنان آگاهی به فلسفه و چرایی حجاب و ضرورت و اهمیت آن را در تخلق آنان به این فریضه مهم دانسته‌اند، از این رو لازم است معلمین و اساتید به ویژه در درس‌های معارف، بینش و ... از روش‌های مختلف تدریس بهره برده، از به بحث کشیدن مباحث و بیان نظریات مختلف ابایی نداشته باشند. البته معلمان و اساتید زمانی می‌تواند از این روش استفاده کند که آمادگی و دانش کافی را برای ارائه درس و پاسخگویی به سوالات داشته باشد (اعظم رحمت‌آبادی، ۱۳۸۹،ص۵۴) بنابراین اتخاذ روش‌ها و شیوه‌هایی که بتواند شرایط لازم برای رسیدن به هدف‌هایی که تعلیم و تربیت دینی در نظر دارد را در بین جوانان گسترش دهد توسط معلمین و اساتید ضروری به نظر می‌رسد، استفاده از روش‌های مختلف تدریس و ایجاد روابط انسانی موثر و مناسب با دانش‌آموزان و دانشجویان، شرایط را جهت تسهیل یادگیری فراهم می‌کند و می‌تواند باعث درونی شدن ارزش‌ها در بین آن‌ها شود. بنابراین معلمین و اساتید باید تلاش کنند تا در ارائه پیام‌ها مفاهیم و ارزش‌هایی مثل حجاب تا جای ممکن پیامشان جالب، تازه و غیر قابل پیش‌بینی باشد. تجربه ثابت کرده اطلاعات معلمین و اساتید، روش تدریس آن‌ها، محیط مرکز آموزشی و به ویژه رفتار معلمان و اساتید در ایجاد تمایل به رفتار عفیفانه در پوشش و رفتار و نیز احساس خوش آیند نسبت به آن و یا تنفر از آن بسیار موثر است. (رحمت‌آبادی، ۱۳۸۹، ص۶۴)

بنابراین لازم است با نگرشی همه جانبه خصوصا در زمینه فرهنگی به این مقوله توجه شود و با آموزش صحیح تلاش گردد سبک زندگی اسلامی اولین انتخاب جوانان گردد. نقش رسانه‌ها و کالاهای عرضه شده در پاساژها و نیز جهت‌دهی اوقات فراغت و برنامه‌ریزی برای جذابیت امکان مذهبی مثل مسجد از دیگر مقوله‌هایی که توجه جدی و برنامه‌ریزی هدفمند افراد خوش ذوق و آگاه به مسائل دینی را می‌طلبد که این زمینه نقش دولت و شورای فرهنگ عمومی و ارشاد اسلامی قابل توجه است. اخلاق و ارزش‌های اسلامی در تولیدات تلویزیونی بیشتر از آن که مورد توجه قرار بگیرد مطرود است و تولیدکنندگان برنامه‌های تلویزیون نسبت به آن کم توجه و شاید بی‌توجه هستند و به بهانه‌های گوناگون از آن طفره می‌روند. نماز، حجاب و دیگر دستورهای اسلامی موضوعاتی است که در کمتر فیلم و سریالی مشاهده می‌شود که از سوی بازیگر نقش اول مورد توجه قرار گیرد و به جای آن اصالت سن، سود شخصی و نمونه‌هایی از این دست در مقام ارزش خودنمایی می‌کند. در حالی که مباحث دینی و اسلامی در تمام موضوعات

میدان برای فعالیت و خودنمایی دارد و لازم است تا با نگاهی از سر دلسوزی به این مسأله توجه گردد. (حسام آبنوس، ۱۳۹۲، ص۶)

از این رو چنان که تمام گروه‌هایی که در جهت‌دهی نگرش‌ها و ذائقه جوانان به فرهنگ مصرف نقش دارند هدف‌های صحیح و آینده‌نگر بر اساس سند چشم‌انداز اسلامی ایرانی که نیاز جامعه اسلامی تولید فکر، خلاقیت و از سویی امنیت و آرامش و از سویی اقتدار اقتصادی است را دنبال کنند، در بحث و مقوله حجاب و پوشش صحیح نیز مهم‌ترین اولویت‌ها را بازگشت به دستورات دین مبین اسلام می‌بینند و از این رو زمینه دسترسی صحیح و استفاده درست از اوقات فراغت، تفریح و انتخاب لباس را برای جوانان فراهم می‌سازند زمینه‌ای که عوض پر رنگ بودن فرهنگ مدرنیته و مصرف، فرهنگ اسلامی بر آن تفوق دارد.

منابع

* **قرآن**

* **نهج البلاغه**

۱. آبنوس، حسام، عملکرد و وظایف رسانه ملی، هفته نامه ۱۹دی، شنبه ۲آذر ۱۳۹۲.

۲. آقا بابایی ناصر و دیگران، رابطه قدردانی از خدا با عامل‌های شخصیت، بهزیستی و سلامت روانی، فصلنامه روانشناسی و دین،ش۱۷، سال پنجم، بهار۱۳۹۱.

۳. آسیب‌شناسی فرهنگی، تبیین مفهومی، نظری و راهبردی، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، ش۱۷ و ۱۸، خرداد و تیر ۱۳۸۷.

۴. ابراهیمی، قربانعلی، عباس بهنوئی گدنه، درآمدی بر جامعه شناسی سبک زندگی جوانان، تهران، نشر لویه، ۱۳۹۲.

۵. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۹۸۸.

۶. بنیانیان، حسن، معیارهای پیشنهاد و انتخاب طرح‌های فرهنگی، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۸.

۷. حاجیانی، ابراهیم، الگوی سبک زندگی ایرانیان، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶.

۸. حسینی، سید بشیر،شخصیت عروسک‌های کودکان در جنگ نرم، عصر ایرانیان، ش۵، آبان ۱۳۸۹.

۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی، قم، المکتبه المرتضویه الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷.

۱۰. ربانی، رسول، یاسر رستگار، جوان سبک زندگی و مصرف فرهنگی، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال سوم، ش۲۳-۲۴، آذر و دی۱۳۸۷.

۱۱. رجبی، سوران، عادل زاهد بابلان، متغیرهای مرتبط با جذب دانش‌آموزان به نماز جماعت از نظر عوامل مدرسه، فصلنامه روانشناسی و دین،ش۱۷، سال پنجم، بهار۱۳۹۱.

۱۲. رجبی، محمود، انسان شناسی،قم،موسسه امام خمینی(ره).

۱۳. رحمت‌آبادی، اعظم، بررسی شیوه‌های موثر و کارآمد ترویج فرهنگ حجاب و عفاف در نظام تعلیم و تربیت، مشهد، آهنگ قلم، ۱۳۸۹.

۱۴. رزاقی، علی، جوانان و هویت ایرانی، تبریز، انتشارات اصرار، ۱۳۸۱.

۱۵. سعیدی، علی اصغر،جامعه مصرفی و جوانان، مطالعات جوانان، سال اول، ش۵، ۱۳۸۲.

۱۶. شرف الدین، سید حسین، رسانه ملی و سبک زندگی، مجله معرفت، ش۱۸۶، خرداد۱۳۹۲.

۱۷. شفیهی، سمیه، مطالعات جنسیتی اوقات فراغت به سوی تبیین سبک زندگی، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶.

۱۸. شهابی، محمود، سبک‌های زندگی جهان وطنانه در میان جوانان ایرانی و دلالت های سیاسی آن، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶.

۱۹. کاظمی پور، عبدالمحمد، بررسی جامعه شناختی نسل جوان، نشر نی، ۱۳۸۷.

۲۰. کلینی، ابوجعفر محمد، اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، تهران، نشر فرهنگ اهل بیت، بی‌تا.

۲۱. گریدانوس، دونالد.ای، مراقبت از نوجوانان، ترجمه پوریا صرافی، بزرگمهر مطهری، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۳.

۲۲. گیدنز، آنتونی، چشم اندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلایی پور، تهران، طرح نو، ۱۳۸۴.

۲۳. عباسی، حسن، شبکه‌های اجتماعی زمین بازی دشمن، هفته نامه ۱۹دی، شنبه ۲آذر ۱۳۹۲.

۲۴. قندفروش، شهناز،کشف حجاب هدف دیرباز دشمن، عصر ایرانیان، ش۵، آبان۱۳۸۹.

۲۵. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت،الوفاء، ۱۴۰۴.

۲۶. مستغاثی، سعید، هالیوود پدیده‌ای به شدت ایدئولوژیک، عصر ایرانیان،ش۵، آبان۱۳۸۹.

۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی، اولویت‌های تحقق سبک زندگی اسلامی، ماهنامه معرفت، ش۱۸۶، خرداد۱۳۹۲.

۲۸. مطهری، مرتضی، ده گفتار، صدرا، ۱۳۶۰.

۲۹. مهدی زاده،حسین، حجاب شناسی، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱.

۳۰. یزدی، حسین، آزادی از نگاه استاد مطهری، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۱.